

جرم استفاده ابزاری از اطفال در بهره‌کشی اقتصادی از منظر فقه امامیه و حقوق افغانستان

عصمت‌الله بیانی *

چکیده

جرم استفاده ابزاری از اطفال از مسایل مهم و بنیادین در سیاست جزایی کشور بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا اطفال به دلیل ضعف عقلانی و جسمانی آسیب‌پذیرترین گروه جامعه انسانی و نخستین کسانی هستند که همواره در معرض انواع استفاده ابزاری قرار دارند و از آماج مناسب و لیدئال برای بزه‌کاران به حساب می‌آیند. رسالت تحقیق حاضر بررسی تطبیقی میان فقه امامیه و حقوق افغانستان است. برآیند تحقیق نشان می‌دهد که قوانین جاری کشور در شرایط فعلی راجع به مجازات کسانی که استفاده ابزاری از اطفال را مرتکب شده کارساز نیست و نیاز مبرم و اساسی به تدوین قوانین بروز و کارآمد دارد تا به وضعیت اطفال در مباحث حقوقی به‌عنوان یک موجود انسانی، مستقل از بزرگسالان نگریسته شود. هرچند قانون‌گذار ارتکاب برخی از رفتارهای بزهکارانه را بر اطفال جرم می‌داند، و طفل بودن بزه‌دیده عاملی برای تشدید مجازات بزهکار است. قوانین کشور و فقه امامیه بر این نکته تأکید دارند که انواع استفاده ابزاری از اطفال ممنوع بوده، اما بارزترین تفاوت آن‌ها در تعیین سن مسئولیت کیفری است که قانون‌گذار افغانستان با توجه به پیروی از فقه حنفی بلوغ جنسی مبنایی مسئولیت کیفری اطفال قرار نگرفته است، از طرف دیگر قانون‌گذار افغانستان بدون توجه به جنسیت، سن هیجده سالگی را برای مسئولیت کیفری معرفی کرده است، در حالی که در فقه امامیه، سن تکلیف و سن بلوغ را یکی به حساب آورده است.

واژگان کلیدی: جرم، استفاده ابزاری، اطفال، فقه امامیه، حقوق، افغانستان.

مقدمه

با عنایت به این که انسان موجود اجتماعی است و مهم ترین عامل توسعه و انکشاف در هر جامعه نیروی انسانی است و از آن جا که اطفال در آینده نیروی فعال و سازنده جامعه خواهد بود و تلاش برای رشد و پرورش سالم و خلاق آنان و ایجاد بستر مناسب و کارآمد برای پیشرفت و تعالی اطفال امری ضروری است؛ زیرا اطفال به دلیل وضعیت جسمانی و روانی خاصی که دارند، در تمام زمان ها و در تمامی زمینه ها قربانی خاموش جامعه بشری اند و در معرض انواع استفاده ابرازی قرار دارند، طبق آمارهای موجود که توسط سازمان های بین المللی تهیه گردیده است، بیش ترین ظلم ها و ستم ها بر آن ها تحمیل می گردد، اطفال بزرگ ترین طیف قربانیان، مجبور کردن به کارهای اجباری و بهره کشی اقتصادی را تشکیل می دهند، بر همگان آشکار است وضعیت اطفال در افغانستان در تمامی ابعاد آن نیازمند تأمل و توجه فروان می باشد، لذا ضرورت اقتضا می کند به خاطر حفظ کرامت انسانی اخلاق و ارزش های والای انسانی پژوهشی در باره ای استفاده ابرازی از اطفال در بعد بهره کشی اقتصادی صورت گیرد شاید قدری از آلام گرفتاری و مشکلات این طیف ضعیف کاسته شود که این خود یکی از اهداف مهم و اصلی نظام های حقوقی و عدالت کیفری را شکل می دهند، از طرفی در روند تحولات اجتماعی جرایم علیه اطفال نیز دگرگون شده و امروزه در بعضی موارد به گونه ای غیر از آن چه در دوران گذشته متداول بوده بر اطفال ستم می شود، در گذشته قتل و آزار جسمی و گاه سوء استفاده های جنسی، از جنایات علیه اطفال محسوب می شد، ولی امروزه علاوه بر آن ها جنایاتی، مانند استفاده ابرازی از آنان در بهره کشی اقتصادی، تکدی گری، نیز به آن افزوده شده، بلکه از رایج ترین جرایم علیه اطفال گردیده است، بدان جهت اگر در گذشته طرح مباحث حقوقی و بیان احکام فقهی در این زمینه لازم بود، در این زمان ضرورت دارد و اهمیت آن را دوچندان می سازد، البته صرف بیان مجازات و وقواین کیفری اسلام در مورد مرتکبان جنایات علیه اطفال ستم دیده کفایت نمی کند، بلکه نظارت بر اجرای قوانین امری ضروری است.

بنابراین، اطفال بیش از سایر اقشار جامعه در معرض آسیب جدی قرار دارد و در اغلب موارد مورد استفاده ایزاری هم در خانواده و هم در اجتماع قرار می گیرند، از این رو، در این مقاله سعی شده است هرچند به طور مختصر موضوع استفاده ایزاری از اطفال را مورد مطالعه قرار دهد و ضمن اشاره به مبانی آن به دنبال این پرسش است که ماهیت جرم استفاده ایزاری از اطفال در بهره کشی اقتصادی از منظر فقه امامیه و حقوق افغانستان چیست؟

الف. مفاهیم

۱. مفهوم جرم

۱.۱. جرم در لغت

واژه جرم، اسم است و جمع آن جرایم می باشد و در زبان فارسی، جرم در لغت به معنای گناه و بزه آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۴۶) لغت نامه دهخدا جرم را به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، عصیان، اثم و مانند آن آورده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه جرم) جرم در اصل معنای لغوی به معنای جدا کردن میوه از درخت است و این واژه برای اکتساب هرکاری ناپسند استعاره گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۹) در قاموس قرآن در مورد کلمه جرم آمده است جرم در لغت به معنای قطع است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲)

۲.۱. جرم در اصطلاح

به نظر می رسد که طبیعت پیچیده جرم، بسیاری از جرم شناسان را از تعریف جرم عاجز کرده است، لذا بسیاری از کتاب های جرم شناسی بیش تر از چند سطری به این موضوع اختصاص نمی دهند و در مواجهه با جوامع و مکتب های حقوقی و اجتماعی، می بینم که هرکدام جرم را به گونه ای تعریف نموده است که استفاده مکرر و همیشگی از واژه جرم، ممکن است این تصور را ایجاد کند که این واژه کاملاً واضح و بدیهی است در حالی که تعریف آن مشکل می باشد.

۱.۱.۲. جرم از منظر فقها

فقها سعی کرده اند تا با توجه به منابع و استنباط از احکام تعریف مشخص از جرم ارائه دهند، لذا بین فقها دیدگاه های متفاوتی راجع به جرم وجود دارد و از آنجایی که

اتفاق نظری راجع به معنای جرم نیست، لذا برخی نظرات را مطرح و مورد بررسی قرار می‌دهیم، برخی جرم را به ارتکاب فعل حرام و ترک واجب الهی تعریف کرده‌اند (خویی، ۱۴۳۰: ۳۳۷) امام خمینی^(ره) در معنای جرم می‌نویسد: ارتکاب هر فعل حرام (خواه کبیره یا صغیره) که در شرع برای آن حد تعیین نشده باشد موجب تعزیر است که ایشان جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده‌اند (خمینی، ۱۳۹۰: ۴۷۷) برخی فقها جرم را مترادف با جنایت دانسته‌اند و کلیه جرایم و تعدیات به نفس و اعضا را جنایت نامیده است. (المیسوری، ۱۴۱۹: ۳۵۳) ما رودی می‌نویسد: «جرم در فقه عبارت است از محرمات شرعی که خداوند برای آن عقاب حدی یا تعزیری در نظر گرفته است» (مارودی، [بی‌تا]: ۲۱۹) عده‌ای دیگر از فقها تعریف جرم را توسعه داده‌اند و ارتکاب هر عمل ممنوعی را جرم دانسته‌اند، خواه منع آن از ناحیه شرع باشد و یا از سوی حاکم اسلامی (اردبیلی، ۱۴۲۷: ۷۶)

۲.۲.۱. جرم از منظر حقوق‌دانان

در علم حقوق تعاریف متعددی از جرم ارائه گردیده است که مبتنی بر قوانین کیفری و یا تعاریف قانون‌گذاران در جوامع مختلف است. عده‌ای از حقوق‌دانان، معتقدند که نقص قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه، یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۴۸) برخی دیگر هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد جرم می‌دانند (دانش، ۱۳۷۴: ۴۴)

۲. مفهوم استفاده ابزاری

۱.۲. استفاده ابزاری در لغت

استفاده ابزاری واژه ترکیبی است و مفهوم لغوی ندارد، زیرا این گونه هیئت که از چند واژه ترکیب یافته، در منابع لغوی نیامده تا مفهوم لغوی داشته باشند، اما جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق این گونه معنی کرده است، استفاده ابزاری به معنای تصرف ناروا آمده، (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۶۷) اما استفاده ابزاری در معانی زیر به کار می‌رود، استفاده از سن سال طرف، یا وضع اجتماعی خود، یا استفاده از موقعیت دیگر

خویش به منظور این که دیگری را از نظر روحی ملزم به انجام عملی نماید مثل این که معلمی شاگرد خود را وادار به خرید کتابی که خود تألیف نموده بکند (همان، ۳۶۸)

۲.۲. استفاده ابزاری در اصطلاح

اصطلاح استفاده ابزاری در منابع فقهی و حقوقی، آن را تعریف نموده اند که به نظر می رسد تعاریف آن ها از اصطلاح فوق یکسان بوده و تفاوت آشکار آن به چشم نمی آید. به نظر می رسد هر رفتاری که به منظور تحت کنترل و سیطره درآوردن یک شخص دیگر انجام گیرد، به معنای استفاده ابزاری است.

۳. مفهوم طفل

۱.۳. طفل در لغت

طفل جمع آن اطفال است اگرچه طفل اسم جنس است که هم برای جمع و هم برای مفرد به کار می رود (الطفل الصغير من کل شیء) یعنی طفل کوچک هر چیزی را می گویند (المنجد، لوح فشرده، ۴۶۷) این واژه به معنای ناز پرورده از هر چیزی، نیز آمده است (دهخدا، پیشین: ذیل واژه طفل) و همین طور به بچه و نوزاد آدمی، کودک و مولود، طفل اطلاق می گردد، واژه طفل، در لغت به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم سالی و خردسالی تعبیر شده است. بنابراین، صغیر، نقطه مقابل کبیر و به معنای طفل است، راغب می گوید: طفل تا وقتی گفته می شود که بدن او نرم باشد (راغب اصفهانی، ذیل واژه طفل) در اقرب آمده به کوچک هر چه از طفل گویند (الشرطونی، ذیل واژه طفل) و در نهایت، آمده است که طفل به معنای بچه است که بر پسر و دختر و جمع اطلاق می گردد (دانش، ۱۳۷۸: ۲۴۶) اما واژه طفل، یا همان کلمه کودک، در ادبیات فارسی با کلماتی مانند کوچک، صغیر، فرزند، دختر، یا پسری که به حد بلوغ نرسیده، باشد، طفل، دختر بچه، یا پسر بچه، خردسال، مترادف می باشد (معین، پیشین، ج ۲، ۳۱۱۷)

۲.۳. طفل در اصطلاح

واژه طفل در اصطلاح نیز نزدیک به معنای لغوی آن آمده است و در قرآن کریم نیز همین معنا را تأیید می کند زیرا در آیاتی از قرآن می خوانیم: (...والطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء...) (نور/ ۳۱) یعنی زنان زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهران

شان، یا اطفالی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، یا در جای دیگر قرآن می‌فرمایند: (واذا بلغ الاطفال منكم الحلم...) (نور/ ۵۹) یعنی هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ می‌رسند باید اجازه بگیرند.

۴. مفهوم حقوق

۱.۴. حقوق در لغت

از نظر واژگانی، «حقوق» واژه‌ای جمع است و مفرد آن، «حق» واژه «حق» در معانی گوناگون به کار می‌رود، راغب حق را در اصل به معنای مطابقت و موافقت دانسته است (راغب الاصفهانی، واژه حق) گاهی الفاظ را با ضد آن‌ها می‌توان شناخت در لغت، «حق» را ضد «باطل» گفته‌اند (ابن منظور، ذیل واژه حق) هم‌چنین، حق در لغت به معنای «ثابت» یا هر چیز ثابتی است که انکار آن روا نیست، به عبارت دیگر، حق یعنی موجود ثابت (دهخدا، پیشین: ذیل واژه حق) صاحب مقایس اللغة می‌گوید: به هر چیزی که بر «احکام و صحت» دلالت کند، حق می‌گویند. (ابن فارس، واژه حق) و جمع آن را حقوق گویند.

۲.۴. حقوق در اصطلاح

پس از بررسی معنای لغوی حق، اکنون به ذکر تعریف اصطلاحی حق، می‌پردازیم، اگرچه حقوق جمع حق و حق در اصطلاح عبارت است از امتیازی که شخص در جامعه دارد، حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر می‌شود (مدرس، ۱۳۷۵: ۲۷) حقوق اصطلاحاً عبارت است از مجموعه قواعدی که تنظیم کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین می‌باشد، حقوق در این مفهوم به حقوق ذاتی به لحاظ آن‌که قطع نظر از افراد جامعه مطرح می‌گردد تعبیر می‌شود (مصباح، ۱۳۸۰: ۲۰)

حقوق فردی ملازم با حقوق ذاتی می‌باشد. در نتیجه قواعد تنظیم کننده روابط افراد در جامعه که اختصاراً قواعد حقوقی یا قانون نامیده می‌شود، برای افراد اختیار و توانایی تحصیل اراده خود به دیگران و الزام دیگران به رعایت آثار این اراده (اعمال حق) ایجاد می‌گردد (جعفری لنگرودی، پیشین: ۱۵)

ب. مبانی جرم استفاده ابزاری از اطفال

۱. کرامت انسانی

یکی از مبانی حقوق اطفال کرامت انسانی است کریم و کرامت به معنای عزت که در ذات یک شی وجود دارد بدون استعلا نسبت به غیر آن است، طبق گواهی قرآن کریم، خداوند به انسان کرامت داده است همه فرزندان آدم مکرم‌اند در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم و تکریم به معنای بزرگداشت و کرامت به معنای عزت، منزلت والا و شرف است این آیه شریفه حکایت از یک صفت کرامت ذاتی و کرامت فطری برای انسان دارد که خداوند متعال در نهاد او به ودیعه گذاشته و به وسیله آن بر سایر موجودات برتری داده است.

این کرامت بر خواسته از پیامبر درونی (عقل) او که همواره او را رهبری می‌کند می‌باشد مرحوم علامه می‌گوید: انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که دیگران نیست و آن داشتن نعمت عقل است و معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته و هرکمالی که در سایر موجودات هست حد اعلای آن در انسان وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۱۵)

وقتی خداوند به انسان چنین منت گذاشته همه بنی آدم را در یک اصل مشترک یکسان قرار داده بدون کدام تفاوت بین نژادها سیا و سفید عرب و عجم مسؤولیت هم نوعانش سنگین کرده است از جمله اطفال معصوم و بی گناه و بی دفاع که توان دفاع از خود را ندارند انسان‌ها نباید اجازه دهند کرامت انسان‌های ضعیف زیر پا شود به خصوص دولت به عنوان نماینده منتخب مردم باید پاسدار کرامت انسان‌ها باشد و خداوند از همان ابتدای خلقت همه افراد انسانی را شرافت و عزت بخشیده است کرامت انسانی تجلی حق تعالی است، عطیه مقدسی است که خداوند به انسان ارزانی

داشته است هیچ کس نمی تواند این عطیه الهی را از بشر سلب کند، حرمت و کرامت انسانی، حق مطلق و خدشه ناپذیر و استثنا ناپذیر است که تجاوز به آن به هیچ وجه و در هیچ حالاتی جایز و روا نمی باشد و ارزشی برتر از حق حیات را دارد، چه این که حق حیات در برخی موارد چنان که خواهد آمد مطلق نیست و استثنا پذیر است، «مثل دفاع مشروع و قصاص قاتل» اما اهانت به کرامت انسانی انسان به هیچ وجه مشروع به حساب نیامده است.

بنابراین، هر فرد انسانی رمزی از عظمت الهی و صاحب ودیعه ای ربانی است و با این که جسم او را از خاک آفریده. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/ ۲۹) پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید ولی به همین جسم خاکی روح خدایی دمیده است، «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر/ ۳۰) پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند با آن که در آیات فراوان قرآنی سخن از کرامت انسانی به میان آمده است که بلا استثنا شامل کلیه افراد آدمی است، به ویژه اطفال معصوم و بی گناه که به انواع استفاده ابزاری قرار گرفته و بازیچه ای یک عده انسان گرگ صفت و طماع در جامعه می شود و انواع ظلم ها و ستم ها را بر آن ها روا می دارد و استفاده ابزاری از اطفال را برای خودش مباح می پندارد که با این کارش در واقع یکی از حقوق مسلم انسان ها را که همان اصل کرامت انسانی باشد نقض کرده است؛ زیرا کرامت انسان چه در بعد ذاتی باشد و چه در بعد اکتسابی، نباید به هیچ بهانه ای مورد تعرض دیگران قرار بگیرد و بر همه انسان ها لازم است که این اصل بسیار مهم و حیاتی که برای جامعه بشریت وجود دارد را مورد احترام قرار بدهد، مخصوصاً اطفال خردسال که هیچ قدرت دفاعی از خود ندارد.

۲. حمایت از نیازمندان و مظلومان

حمایت از اطفال مظلوم و دفاع از حقوق طفل بزه دیده ای که به ناحق از ناحیه اشخاص بزرگسال مورد تعدی قرار گرفته است، مبنای شرعی و ایدئولوژیکی دارد بدین معنا که در همه ادیان الهی، به ویژه در اسلام حمایت از حقوق اطفال از تکالیف شرعی و از موجبات خشنودی خداوند متعال و رستگاری بندگان شمرده شده است

به عنوان مثال خداوند در قرآن کریم طی آیه ۷۵ سوره نساء می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأَنْ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/ ۷۵) شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان، زنان و اطفال مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم‌گرند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما.

استناد به این آیه بدین جهت است که بسیاری از اطفال که در معرض استفاده ابزاری قرار دارند به‌ویژه استفاده ابزاری از اطفال هستند (عبدالعلی، ۱۳۷۸: ۳۲). بنابراین، در سیاست جنایی اسلام حمایت از اطفال یک وظیفه و تکلیف برای انسان مسلمان به حساب آمده و دشمنی یا ظالم و متجاوز و یاری رساندن به اشخاص ضعیف و در معرض خطر و ظلم ضروری تلقی شده و خداوند ضمن نفی ظلم و ظلم‌پذیری بر این مبنا تأکید کرده است: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/ ۲۷۹) حضرت علی (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: دشمن ظالم و یار مظلوم و ستم‌دیده باشید (نهج‌البلاغه، ص ۷۸) همین‌طور در آیه دیگر می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ» (بقره/ ۲۳۳) مادر فرزند خود را در اثر غیظی که از پدر فرزند دارد از شیر دادن رها نکند زیرا شفقت و مهربانی مادر نسبت به فرزندش بیش از بیگانه است به این دلیل نوزاد را نباید از مادر گرفت چون نتیجه این عمل ضرر به نوزاد است که در مجموع این آیه دلالت دارد بر این‌که پدر و مادر ضرر و آزادی به فرزند خود نرساند و حرمت کودک آزاری را می‌رساند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۴۶)

هم‌چنین ظلم و ستم و آزار رساندن به دیگران از هدایت ناصحیح ناشی می‌شود و معمولاً بر مبنای جهل ترس، نیاز، کمبود و خیانت درونی افراد استوار است که از دیدگاه قرآن محکوم است و باید به هر نحوی جلو آن گرفته شود در قرآن آمده است: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران/ ۱۰۸) و

هم‌چنین بنا بر مبانی اسلام ظالم نسبت به مال، جان، عرض و ناموس خود یا دیگران مجرم است و خداوند از مجرمان انتقام می‌گیرد: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَقِمُونَ» (سجده/ ۲۲).

بنابراین، حمایت از اطفال که در معرض استفاده ابرازی قرار دارند یا به‌طور کلی به خاطر وضعیت خاص اطفال مثل کم سن و سال بودن وابستگی به والدین، فقر، ناامنی، عوامل گوناگون دیگر از قبیل عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نیازمند توجه و محبت در این سنین و به‌ویژه حمایت از اطفال بزه دیده و یا در معرض خطر مبنایی شرعی و ایدئولوژیکی دارد (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۸).

۳. آسیب‌پذیر بودن اطفال

شکی نیست که اطفال ویژگی‌های فیزیکی و روحی مختص به خودشان را دارند که با آن ویژگی‌ها متمایز از بزرگسالان هستند. به عبارت دیگر، جامعه کوچک خانواده از سه ضلع پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده است توجه و بررسی ضلع سوم خانواده یعنی طفل نشان می‌دهد که از نظر انسان‌شناسی، موقعیتی متفاوت از دو ضلع دیگر یعنی پدر دارد (پیوندی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

بنابراین، به دلیل مستقل نبودن اطفال در مراقبت از خود و در معرض آسیب بودن آنان و نداشتن توان دفاع از خویش، ضروری است حقوقی برای آنان و هم‌چنین تکالیف برای والدین و جامعه مدنظر گرفت تا زمینه‌ساز رشد و تعالی اطفال باشد. اطفال به دلیل ضعیف بودن و نیاز به مراقبت داشتند و همیشه در معرض آسیب‌پذیر بودن آنان از یک‌طرف و از سوی دیگر نداشتن توان دفاع از خویش این امر ضروری است که حقوقی برای آنان و هم‌چنین تکالیف برای والدین و جامعه در نظر گرفت تا زمینه رشد و تعالی اطفال فراهم باشد این امر برای این است که منافع اطفال حفظ شود و جامعه نیز در آینده افراد صالح و کارآمدی به خود ببیند (همان، ۲۱۱) اطفال گل‌ها و شکوفه‌های زندگی انسان‌ها هستند که اگر انسان غفلت کند چه‌بسا یک نسیم تندى آن‌ها را پژمرده کند که جبران مافات هم نداشته باشند، اطفال به دلایلی زیادی، آسیب‌پذیرند، اما ادله

آسیب‌پذیری اطفال که در تحقیق، یکی از مبنای دفاع از حقوق اطفال بزه دیده است به قرار ذیل است.

۱.۳. ضعف جسمانی

بدیهی است که اطفال از زمان انعقاد نطفه تا دوران بلوغ رشد تدریجی دارند، خداوند متعال همه کارها را از مجرای طبیعی خودش انجام داده و کارگردانی می‌کند رشد و قدرت جسمانی انسان از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، اطفال از انعقاد نطفه تا رشد جنین، تولد، هفت سال اول زندگی و حتی رسیدن به بلوغ، ضعف جسمانی دارند. البته ضعف در آنان یکسان نیست بلکه شدت و ضعف دارد و به‌طور کلی این ضعف، در مقایسه با بزرگسالان محسوس است. پس می‌توان ضعف جسمانی را یکی از عوامل آسیب‌پذیری اطفال به حساب آورد؛ زیرا این‌طور به نظر می‌رسد حکمت و فلسفه این‌که شارع مقدس در همه تکالیف اطفال را مرفوع‌القلم دانسته (حرعاملی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۴۵) و حقوق اضافی را نیز بر عهده والدین قرار داده به‌خاطر ضعف جسمانی و عقلی اطفال، باشد.

۲.۳. ضعف عقلی

در دین اسلام، عقل یکی از شرایط تکلیف است حتی به‌لحاظ سنی اگر شخص بالغ باشد ولی عاقل نباشد تکلیف از او ساقط است؛ زیرا عقل پیامبر درونی انسان است که همواره انسان را رهبری می‌کند ثواب و عقاب اعمال هم بر همین معیار محاسبه خواهد شد. اطفال مثل سایر انسان‌ها از این نعمت بزرگ الهی برخوردارند، بلکه اگر عقل را با آن ویژگی‌های دقیق فلسفی در نظر بگیریم همه انسان‌ها به‌جز معصومان^(ع) ضعف عقلی دارند. اما این ضعف در اطفال بیش‌تر است به‌گونه‌ای که نفع و ضرر خود را دقیق تشخیص نمی‌دهند و یا قدرت درک آن را ندارند. البته ممکن است کسانی دیگر هم این حالت را داشته باشند ولی معمولاً اطفال این ضعف را بیش از دیگران دارند و بر همین اساس شارع مقدس همه تکالیف را از آن‌ها برداشته است. بنابراین، ضعف عقلی یکی از ادله آسیب‌پذیری اطفال است (محمدی، ۱۳۹۴: ۴۷)

۳.۳. نداشتن توان دفاع از خود

با اندک توجه همه می‌دانیم که اطفال در خیلی از مواقع در برابر پیش آمدها توان دفاع فیزیکی و فکری از خود را ندارند و زود تسلیم شده و به خواسته‌های طرف مقابل تن می‌دهند، همین امر باعث خیلی از مشکلات و گرفتارهای بعدی آن می‌شود، شاهد بر این مطلب در شرایط کنونی باندهای مخوف با ترفندهای بسیار جذاب، خیلی از اطفال و از جمله اطفال خیابانی و بی‌سرپرست را جمع‌آوری کرده سپس اندیشه‌های ناپاک مثل بهره‌کشی اقتصادی، تکدی‌گری، خرید فروش مواد مخدر، بهره‌کشی جنسی و انواع جرایم دیگر را بر آنان تحمیل می‌کنند و آنان را مثل یک ابزار و بازیچه برای خود قرار می‌دهند (پژمان، ۱۳۹۲: ۹۲). اما متأسفانه آن‌ها نه درک کافی دارند و نه توان دفاع از خود را دارند که خودشان را نجات دهند، در افغانستان اطفال به دلیل نداشتن توان دفاع از خود متحمل جنایات بسیار وحشت‌ناکی می‌شوند، بنابراین، نداشتن توان دفاع از خود باعث شده که این قشر ضعیف همیشه در معرض آسیب‌پذیری قرار پیگیرند (محمدی، پیشین: ۴۸)

ج. استفاده ابزاری از اطفال در بهره‌کشی اقتصادی (کودکان کار)

گسترده‌ترین مصادیق استفاده ابزاری از اطفال در حوزه کار اطفال صورت می‌گیرد، وسعت به‌کارگیری اطفال در جهان امروز چه از (نظر کمی و چه از نظر کیفی) موجب شده است تا جلوگیری از استثمار اطفال به یکی از مهم‌ترین ابعاد حمایت از حقوق طفل مبدل گردد، در این‌جا لازم می‌بینم که نظریه علما، فقها و حقوق‌دانان اسلامی و همین‌طور قوانین موضوعه کشور را مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

۱. استفاده ابزاری از اطفال در فقه

متأسفانه یکی از روشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین استفاده ابزاری از اطفال، بهره‌کشی اقتصادی است، لذا شایسته است در این بخش، بحث از کار طفل را تحت عناوین فقهی و حقوقی به‌صورت جداگانه بررسی نماییم، اگر یک نگاه اجمالی به آیات و روایات که ناظر به کار و فعالیت اقتصادی است بیندازیم درمی‌یابیم که نفس کار کردن ممنوع نبوده

بلکه کاری که خارج از توان شخص خارج باشد فقها ممنوع کرده است، هم اکنون با بررسی آیات و روایات راجع به کار می‌پردازیم.

۱.۱. آیات

۱. قرآن عامل سعادت انسان را درگرو تلاش برای رفاه زندگی و کار و تلاش معرفی می‌کند «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدثر / ۳۸)

۲. در آیه دیگری بهره او را تنها درگرو سعی‌اش می‌شمرد: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹)

۳. در بسیاری از آیات بعد از ذکر ایمان، بر عمل صالح و نیک تکیه می‌کند و غیر نیکوکاران را اهل خسران و بدبختی می‌داند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر / ۲-۳)

۴. مال به‌دست آمده از کسب و کار پاکیزه و زیبا است و ارزش انفاق در راه خدا را دارد: «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره / ۲۶۷)

۵. تلاش برای کار و زندگی را مثل جهاد در راه خدا می‌دانند و مهاجرت کردن به شهرهای دیگر برای امرار معاش «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخْرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مزل / ۲۰)

۲.۱. روایات

۱. پیغمبر اکرم (ص) فرموده است عبادت دارای هفتاد جزء است، بالاترین آن کار و کسب حلال است: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (حر عاملی، ج ۱۷، ۲۱)

۲. در روایت صحیح از امام صادق (ع) نقل شده که کار کردن برای رفاه خانواده را مثل مجاهدت در راه خدا معرفی کرده است: «الْكَادُ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (همان).

۳. از سعادت مرد، کار برای خانواده، رفاه و آسایش زندگی را نام می‌برد: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ الْقِيَمَ عَلَى عِيَالِهِ» (همان)

۴. راوی از امام صادق (ع) روایت کرده که امام را همیشه در کار و تلاش می‌بینم آن وقت سؤال کردم از امام که چرا در این هوای گرم و داغ تابستان این‌قدر کار زیاد می‌کنید امام در جواب فرمود: من دوست دارم مردم در هوای گرم و سوزناک برای

خرج اهل و عیال خویش کار و تلاش کند: «إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَّى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ» (همان)

۵. راوی از امام کاظم^(ع) روایت می‌کند که فرمود: «قال... و آبائی کُلُّهُمْ کَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ» (همان)

۶. در حدیثی از امیر مؤمنان علی^(ع) نقل شده که فرمود: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اَزْدَوَجَتْ اَزْدَوْجَ الْكَسَلِ وَ الْعَجْزِ فَتَتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ» (همان)

۷. امام صادق^(ع) فرموده است: «لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَ يَطْلُبُونَهَا» (همان)

۸. امام باقر^(ع) فرموده است: «إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أُبْغِضَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا «كَسَلَان» عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ» (همان)

۹. موسی بن جعفر^(ع) فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ، إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ» (همان).

۳.۱. دیدگاه فقها نسبت به کار اطفال

از نظر فقهی کار اطفال را این‌گونه می‌توان مورد بررسی قرار داد. صورت اول در جای متصور است که خود طفل برای کار اجیر شود، در این فرض تمامی فقها معتقدند طفل اهلیت تصرف در مال و کار خود را ندارد و کارفرما هم تحت هیچ عنوان حق ندارد از طفل کار بکشد. برای مثال علامه حلی می‌نویسد: هرگناهی که برای شان حد تعیین نشده باشد مجازات تعزیر را برای شان مدنظر گرفته است (حلی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۳۹) و فقهای دیگر هم همین نظر را دارد (اردبیلی، ۱۴۰۲: ج ۱۳، ۱۱). اما صورت دوم، در جای متصور است که ولی شرعی، طفل را اجیر قرار دهد، اگر ولی شرعی طفل (اعم از پدر، جد پدری، وصی آن دو، قیم و حاکم) تحت عنوان اجاره و یا عناوین دیگری (طفل ممیز) را برای کاری که قادر به انجام آن است، اجیر قرار دهد یا به او اذن دهد تا خود اجیر شود، این صورت خود به دو بخش تقسیم می‌شود.

قسم اول، جای است که ولی طفل او را برای انجام کارهایی که شرعاً حرام است یا برای طفل ضرر دارد (اعم از ضرر جسمی ادراکی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی، روانی

و...) اجیر قرار دهد بی تردید ولی چنین حقّی را ندارد و عمل او در فرض مزبور از جهت حکم تکلیفی حرام و از جهت حکم وضعی باطل است و برای مستأجر حقّی ایجاد نمی‌کند دلیل آن عبارت است از:

۱. ولایت ولی در امور مالی (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۶۱) و غیر مالی (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۱۰۵) به اتفاق فقها مشروط به رعایت مصلحت طفل می‌باشد بدیهی است در صورتی که کار برای طفل ضرر داشته باشد، اجیر نمودن وی برای انجام آن، به مصلحت او نیست. حتی در صورتی که وجود ضرر و عدم آن مورد تردید باشد، جایز نیست (خویی، ۱۴۳۰: ج ۴۲، ۲۱).

۲. مطلق ضرر رساندن به طفل ممنوع است که این ضرر رساندن حتی از جانب پدر نیز پذیرفته نیست و آن را از آیه قرآن استفاده می‌کنیم: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بَوْلَدُهُ» (بقره/ ۲۳۳)

۳. از قاعده لا ضرر استفاده می‌کنم که ولی طفل حق ندارد به طفل ضرر و آسیب برساند و این جا کار طفل مصداق بارز ظلم به ایشان به حساب می‌آید.

۴. از اطلاق دلیل ظلم استفاده می‌شود که کار کردن طفل اگر برای شان ضرر مادی معنوی یا روحی روانی داشته باشد هم از نظر شرع و هم از نظر عرف و عقلای عالم حرام و چنین کاری از جانب هرکس صورت گیرد مجرم است و مرتکب فعل حرام شده (محقق حلی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۱۱).

اما قسم دوم، در جای است که ولی طفل او را برای کار اجیر می‌کند و یا به اون اذن می‌دهد ولی کار هم برای اون ضرر ندارد، در این صورت کار طفل از نظر فقها مکروه به حساب می‌آید، مستند این دیدگاه روایت موثقی است که امام صادق^(ع) از جد بزرگوارش نقل نموده با این مضمون، رسول خدا^(ص) از کسب کنیزان و خدمت‌گزاران نهی فرموده‌اند، هم چنین از کسب طفلی که به نیکی نمی‌تواند کار را با دست انجام دهد، «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ... وَ نَهَى عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ الَّذِي لَا يُحْسِنُ صِنَاعَةً بَيَدِهِ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَجِدْ سَرَقًا» (حر عاملی، پیشین: ج ۱۷، ۶۳) شهید ثانی^(ره) نیز در توجیه مکروه داشتن کار طفل می‌گوید: «این شبهه وجود دارد که طفل به دلیل عدم آگاهی یا به این جهت که

می‌داند مرفوع‌القلم است و ارتکاب حرام در حق او حرام نیست، مرتکب اموری شود که شرعاً حلال نیست»، به این جهت کار او مکروه است (شهید ثانی، ۱۴۰۶: ج ۳، ۲۲۳). از نظر فقه شغل و کار خاصی فی‌نفسه واجب شمرده نشده است، بلکه مشاغل به ملاحظه عناوین دیگری مانند تأمین هزینه زندگی تأمین نیازهای جامعه و حفظ نظم عمومی و...، واجب می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳۴۴). برخی از مشاغل به دلیل تأثیرگذاری در رشد معنوی و تربیت افراد مورد توجه شریعت قرار گرفته است مانند زراعت و تجارت و در مقابل برخی مشاغل به لحاظ زوایای منفی آن نکوهیده است مانند صراف، فروش کفن، داد و ستد با اطفال، خرید فروش آذوقه عموم کشتن حیوان حلال گوشت (خمینی، پیشین: ج ۲، ۴۷۵).

بنابراین، از نظر فقهای بزرگوار ما اصولاً بر کار و تلاش به هدف کسب درآمد جهت تأمین زندگی آبرومندانه برای خود و افراد تحت پوشش همواره در سخن پیشوایان دین تأکید شده است (حرعاملی، پیشین: ج ۶، ۴). این تأکید از آن رو، است که کار کردن موجب عزت، استقلال، رشد عقلانی، آرامش روحی، سلامت جسم و نشاط روحی است (میرمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۴۳). از طرف دیگر از نظر اسلام کارهای که جنبه‌ی حمایتی و آموزشی برای فرد و جامعه داشته باشد ممدوح و پسندیده است کارهای شاقه که محل سلامت روحی، جسمی و آموزشی و تربیت افراد و جامعه یا موجب فشارهای ناروا باشد، هرچند در محیط خانه صورت گیرد و فرد بدان رضایت داشته باشد، اما به دلیل حاکمیت قاعده لا ضرر مذموم و ممنوع است اقتضای سن اطفال در زندگی تحصیل علم و دانش است از جمله حقوقی که انسان در تمامی مراحل زندگی از بدو تولد تا وقت مرگ بدان نیازمند است این نیاز در دوان کوچکی آمادگی بیش‌تر از نظر روحی و جسمی برای یادگیری و آموزش و تربیت از خود نشان می‌دهد (همان، ۳۴۶).

در کنار تحصیل علم می‌تواند در کنار اعضای فامیل مشغول کارهای سبک و از همه مهم‌تر آن دسته از کار و اشتغال که در راستای یاد گرفتن شغل برای آینده‌شان باشد که تا در آینده سربار جامعه نباشد و انسان مفید برای جامعه اسلامی و هم‌چنین برای تشکیل خانواده خودش باشد در واقع زمینه مسئولیت‌پذیری در آینده را فراهم می‌کند و

در عین حال هیچ گونه زیانی را متوجه طفل نمی کند جایز است زیرا که اطفال به عنوان سرمایه های اجتماعی یک کشور و آینده سازان جامعه به حساب می آید.

بنابراین، از نظر کارشناسان و جامعه شناسان نیروی انسانی فعال و جوان در هر جامعه ی بهترین پشتوانه برای آینده آن جامعه به حساب می آید، از طرف دیگر فرستادن طفل سری کار و اجیر نمودن شان برای کارهای صحیح است که این کارها برای ایشان هیچ گونه ضرر و زیان جسمی روحی و روانی را در پی نداشته باشد و از همه مهم تر این که مورد استفاده ابزاری قرار نگیرد. به عبارت دیگر، بهره کشی اقتصادی سوء استفاده جنسی در حین کار از طفل صورت نگرفته باشد و کار در راستای منافع طفل باشد نه در راستای منافع یک عده بزرگ سالان دیگر که در صدد استفاده ابزاری و بهره کشی اقتصادی از اطفال معصوم هستند و دیگر غیر از منافع مادی خودش به هیچ چیزی دیگر فکر نمی کند که در ایران تحت عنوان کودکان کار یاد می شوند، نباشد.

۲. استفاده ابزاری از اطفال در حقوق

اطفال هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی قشر آسیب پذیر جامعه بوده و اکثرا وابسته به حمایت والدین و یا بزرگان فامیل بوده و نیاز به مراقبت های لازم و ضروری دارند. اطفال نظر به ضعف جسمی که دارند، باید از کارهای که باعث ضرر جسمی و روانی به ایشان می گردد، دور نگه داشته شده و تمام توجه به آموزش و پرورش ایشان گردد. بر اساس تازه ترین آمار منتشر شده توسط سازمان های بین المللی هم اکنون در جهان در حدود ۲۰۰ میلیون دختر و پسر بین ۶ تا ۱۴ ساله، مشغول به کار هستند بهره کشی اقتصادی از اطفال در اشکال مختلف کار اجباری، بردگی، انواع کارهای سخت و زیان آور، کار خانگی بدون مزد، مشاغل سیاه و کاذب، قاچاق اطفال، هم چنین رؤیاهای بشر را در ساختن جهان عاری از تبعیض، فقر و خشونت در آغاز هزاره سوم در مقیاس جهانی نابرابری سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها بی ثباتی سیاسی، جنگ، مهاجرت های اجباری و آوارگی، بی سوادی، فقر مزمن موجبات استمرار بهره کشی اقتصادی از اطفال را فراهم ساخته اند.

۱.۲. علل کار اطفال

دلایل پرداختن اطفال به کار مانند سایر پدیده‌های انسانی به‌طور معمول در چهار چوب یک علت محدود نمی‌شود بلکه دلایل متعددی آن را ایجاد می‌کند. بدون شک اکثر این اطفال به دلیل عدم امکانات مادی و رفاهی و به عبارت دیگر، فقر خانواده، به ناچار جهت تأمین هزینه زندگی خانواده خود به کار کردن روی آورده‌اند، بنابراین، عمده دلایل کار کردن اطفال عبارت از:

الف. عوامل خانوادگی

از مهم‌ترین عوامل خانوادگی که زمینه کار اطفال را فراهم می‌آورد و یا به اجبار طفل را در مسیر اشتغال و کسب درآمد قرار می‌دهد می‌توان به پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها، پیری و از کار افتادگی والدین، مرگ والدین عدم پرداخت هزینه تحصیلی اطفال توسط والدین، عدم حضانت اطفال یا سوء حضانت اطفال به‌ویژه پس از جدایی والدین از یکدیگر اشاره نمود که منجر به فعالیت اقتصادی اطفال می‌شود در واقع ریشه‌ی اصلی تمام عوامل خانوادگی فوق به مشکلات اقتصادی، فقر و نیازهای خانواده بر می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۵: ۶۲)

ب. عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی متعددی منجر به کار اجباری یا اشتغال اطفال می‌شود از جمله بی‌کاری، مهاجرت، سنت‌های اجتماعی و فرهنگی (غیور، [بی‌تا]: ۱۷۸)

ج. عوامل آموزشی

بی‌سوادی والدین، سهل‌انگاری و بی‌توجهی والدین نسبت به آینده اطفال و نیز نگرش منفی آنان نسبت به مدرسه و تحصیل، دسترسی نداشتن به فرصت‌های آموزشی و...، از دیگر عوامل و علل کار کردن اطفال محسوب می‌گردد. (همان)

د. عوامل قانونی و اجرایی

حمایت قانونی سخت‌گیرانه از کارگران بزرگسال در مواردی چون اخراج و...، که شامل کارگران اطفال کم‌تر از پانزده سال نمی‌گردد (بیگی، پیشین: ۱۴۴). این عوامل در شرایط کنونی در برخی از مناطق جهان که در آن‌ها فقر، بلایای طبیعی، بی‌ثباتی سیاسی

و مناقشات مسلحانه درهم تنیده‌اند پیش از همه اطفال معصوم و بی‌پناه را در معرض بهره‌کشی قرار داده است. اما در کشور افغانستان با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات آزاد آمار دقیق وجود ندارد.

۲.۲. آثار کار بر اطفال

اگر چه کار برای بزرگسالان یک ضرورت است. اما برای اطفال که هنوز به حد کافی رشد ننموده‌اند زمینه عقب ماندگی در ابعاد متعدد رشد تلقی می‌گردد برخی از جنبه‌های رشد که ممکن است در نتیجه کار اطفال به مخاطره بیافتد عبارت از:

الف. رشد جسمی

در آن سلامتی عمومی فرد تهدید می‌گردد از سوی دیگر تحمل بار سنگین یا نشستن در وضعیت‌های غیرطبیعی برای مدت‌های طولانی می‌تواند به‌طور مداوم جسم در حال رشد طفل را ناتوان سازد (حافظیان، ۱۳۷۶: ۲۷)

ب. رشد شناختی

رشد شناختی از قبیل محاسبه ریاضی و دانش لازم برای زندگی آموزش به پرورش ادراکی، عاطفی و اجتماعی اطفال یاری می‌رساند و حوزه‌ای است که اغلب کار اطفال آن را به شدت به خطر می‌اندازد ناگفته نماند که پیامد منفی آموزش تنها منحصر به ایام دوران کودکی نیست بلکه در جوانی و بزرگسالی نیز پایگاه اجتماعی کار گران طفل را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ۴۰)

ج. رشد عاطفی

رشد عاطفی نظیر عزت نفس کافی، رشد اجتماعی، با توجه به این‌که اطفال از نظر روحی و روانی فوق‌العاده آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند لذا محیط‌های کارهای فشارآور و تحقیر کننده باعث می‌شوند که آن‌ها از زیان روانی بسیار شدیدی رنج می‌برند تا جای که ممکن است به اختلال‌های عاطفی و روانی زیاد مبتلا شوند (بیگی، پیشین: ۱۵۲)

۳.۲. استفاده ابزاری از اطفال در قوانین افغانستان

بر این اساس قانون‌گذار افغانستان، اعمالی را که باعث صدمه جسمی و یا روانی بر اطفال می‌گردد، در ماده ۶۱۳ کد جزا جرم‌انگاری کرده است، بر اساس این ماده

استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی، شبانه یا اضافه کاری استخدام نماید، یا طفل را به منظور کار به مسافرت مجبور سازد به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد، بر اساس قوانین و معاهدات ملی و بین‌المللی کار اطفال ممنوع قرار داده شده و تصریح شده است برحسب ماده ۱۲۷ قانون کار افغانستان، اطفالی اجازه کار دارند که سن ۱۴ سالگی را تکمیل کرده باشد (قانون کار افغانستان، ماده ۱۲۷). مطابق قانون کار افغانستان کسانی که سن ۱۴ سالگی را تکمیل کرده باشد نوجوان خوانده شده و تصریح شده است که کار باید با در نظر داشت وضعیت صحی و توانایی فیزیکی به آن محوّل گردد، اما کار اجباری بالای اطفال یک امری غیرقانونی است.

در ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان آمده است: «تحمیل کار اجباری بر اطفال جواز ندارد» (قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ش، ماده ۴۹). بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق اطفال دُول طرف کنوانسیون باید حق طفل را به حمایت در برابر استثمار و انجام هرکاری که می‌تواند مشقت و سختی زیاد باشد و یا به تحصیل طفل تداخل نماید و یا به رشد جسمی ذهنی و معنوی یا اجتماعی طفل ضرر برساند به رسمیت بشناسد (کنوانسیون حقوق اطفال، مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹م).

اما در کشورهای جهان سوم اطفال و کودکان، به دلایل مختلف کارهای شاقه و دشوار وادار می‌شوند در افغانستان گزارش‌ها حاکی از آن است که به دلایل مختلف بالای اطفال کار صورت می‌گیرد فقر و تنگدستی خانواده‌ها یکی از عوامل مهمی است که اطفال را ناگزیر به انجام کار می‌سازد در افغانستان اکثر خانواده‌ها با فقر شدید اقتصادی مواجه‌اند از این‌رو، اطفال شان را وادار می‌سازد تا به کارهای شاقه تن دهند و از این طریق معیشت و مصارف فامیل تأمین گردد.

میزان پایین درآمد خانواده‌ها تعدد فرزندان، قیمت بالای اجناس و مصرف زیاد و تجمل‌گرایی نبود اشتغال برای مسؤول خانواده باعث می‌شود تا اطفال نیز به کار گماشته شوند، گاهی دیده می‌شود که اطفال به خاطر قرض داری فامیل شان مجبورند که کار نمایند از این‌که رفع قرض‌داری از توان سرپرست خانواده نیست غالباً اطفال بزرگ‌تر

فامیل همراه پدرش کار می‌کنند تا در مصارف و مخارج خانه کمک کرده باشند (سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ص ۳۵) هم‌چنین جنگ و ناامنی و عدم دسترسی کامل به مراکز صحتی، مریضی‌های صعب‌العلاج و فقر اقتصادی گاهی باعث شده است که خانواده یکی از اعضای فامیل شان را که مسئولیت فامیل را به عهده داشته است از دست بدهند از این‌رو، مسئولیت خانواده به عهده اطفال قرار می‌گیرد. در این‌جاست که اطفال کار را یگانه راه‌حل برای نجات خود و فامیل دانسته و ناگزیر به انجام کارهای شاقه می‌پردازند همین امر سبب شده است استفاده ابزاری از اطفال در مشاغل قانونی برخی از اموری که اطفال به آن‌ها وا داشته می‌شوند به دلیل ماهیت غیرانسانی و لطمات جسمانی روحی و روانی جبران‌ناپذیر که بر اطفال وارد می‌آورند، اشخاصی که اطفال را به چنین مشاغلی وارد کرده و از آن‌ها استفاده ابزاری می‌کند و از این طریق کسب درآمد می‌کند مجرم شناخته می‌شوند. (پژمان، پیشین: ۴۰).

۱.۳.۲. عنصر قانونی جرم بهره‌کشی اقتصادی از کودکان

استخدام طفل در کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی، ماده ۶۱۳ کد جزا، شخصی که طفل را در کارهای فیزیکی ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی شبانه یا اضافه کاری استخدام نماید، یا طفل را به‌منظور کار به مسافرت مجبور سازد به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد (کد جزای افغانستان، ماده ۶۱۳) یا در ماده ۱۳ قانون حمایت از اطفال افغانستان آمده است: کار اجباری، کار یا خدمتی است که اجرام آن بر طفل تحمیل شده و سبب ایجاد زیان به رفاه، آموزش سلامت جسمی یا روانی یا رشد عاطفی یا اجتماعی طفل گردد (قانون حمایت از اطفال افغانستان، ماده ۱۳) در ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال افغانستان آمده است کار شاقه کاری است که اجرای آن از قدرت جسمی یا ذهنی طفل اثر ناگوار داشته باشد (همان، ماده ۱۴) در ماده ۱۵ این قانون آمده است بهره‌کشی از طفل استثمار طفل به مقصد تجارت کار، بهره‌کشی جنسی و رفتار نادرست اعم از فیزیکی و روانی که منجر به ایجاد صدمه به صحت جسمی ذهنی، روانی یا بقای حیات کرامت انسانی طفل گردد (همان، ماده ۱۵) در ماده ۶۲ این قانون وزارت کار و امور اجتماعی و سایر ادارات ذی‌ربط را موظف کرده است که

به منظور جلوگیری از استخدام اطفال در کار به مقصد بهره‌کشی یا کار طاقت‌فرسا به شمول سوءاستفاده از طفل در گدایی یا کارهای مضر به سلامت جسمی، ذهنی روانی و معنوی یا اجتماعی یا کاری که در تعلیم و تربیت و آموزش طفل اختلال وارد نماید تدابیر لازم را اتخاذ نمایند (همان، ماده ۶۲) در ماده ۶۳ این قانون آمده است: «استخدام نوجوانان به کارهای فیزیکی، ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی اجرای کار شبانه یا اضافه کاری یا مسافرت به منظور انجام کار رسمی مطابق احکام کار ممنوع می‌باشد» (همان، ماده ۶۳). اطفال هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی قشر آسیب‌پذیر جامعه و اکثراً وابسته به حمایت والدین و یا بزرگان فامیل بوده و نیازمند مراقبت‌های لازم و ضروری می‌باشند، اطفال با توجه به ضعف جسمی که دارند باید از کارهای که باعث ضرر جسمی و روانی به ایشان می‌گردد دور نگه‌داشته شده و تمام توجه به آموزش و پرورش ایشان می‌گردد.

بر این اساس، قانون‌گذار افغانستان، اعمالی را اکثراً باعث صدمه جسمی و یا روانی بر اطفال می‌گردد، در مواد فوق جرم‌انگاری نموده و برای مرتکب آن جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی پیش‌بینی نموده است. بنابراین، مواد فوق عنصر قانونی جرم استفاده ابزاری از اطفال و کودکان را در جهت و بهره‌کشی اقتصادی، تشکیل می‌دهد.

۲.۳.۲. عنصر مادی جرم بهره‌کشی اقتصادی از کودکان

رفتار مادی در جرم فوق عبارت است از: استخدام اطفال برای اعمال چون کارهای فیزیکی ثقیل و مضر صحت یا کارهای ثقیل زیرزمینی یا کارهای شبانه و اضافه کاری و یا مجبور ساختن طفل به مسافرت به منظور کار هست نفس استخدام طفل در کارهای فیزیکی جرم نبوده بلکه تنها کارهای فیزیکی که در ماده فوق و قانون کار مناسب حال اطفال دانسته نشده، شامل جرم‌انگاری این ماده می‌باشد کارهای سبک و مناسب حال اطفال که بالاتر از ۱۴ سال سن دارند را قانون کار تنظیم نموده است قانون کار در زمینه چنین صراحت دارد، بند یک، کارکن [کارگر] نوجوان حداقل سال یک‌بار از طریق وزارت صحت مورد معاینه قرار بگیرد، بند دوم (این ماده آمده است که اداره مکلف است قبل از استخدام کارکن [کارگر] نوجوان را از طریق مراکز صحتی تحت معاینات

قرار داده و نتایج آن را ضمیمه دفتر سوانح کارکن [کارگر] نماید. بند سوم این ماده معاینات صحی کارکن نوجوان حداقل سال یکبار از طریق و به مصرف اداره صورت می گیرد (قانون کار، ماده ۱۲۷) قابل یادآوری است که جرم مذکور مطلق بوده و به مجرد استخدام طفل جرم ارتکاب می آید.

۳.۳.۲. عنصر معنوی جرم بهره کشی اقتصادی از کودکان

عنصر معنوی در این جرم علم و قصد می باشد با این توضیح که شخص به طفل بودن مجنی علیه، علم داشته و عمداً وی را به کارهای فیزیکی ثقیل و...، استخدام نماید بنابراین، اگر یک شخص نداند که مجنی علیه، طفل است و اشتباهاً وی را استخدام نماید، این حالت شامل حکم ماده فوق نمی گردد هم چنان در حالت مجبور ساختن طفل به سفر به منظور کار در پهلوی علم قصد خاص عنصر معنوی جرم را تشکیل می دهد به این توضیح که مرتکب به علاوه علم به طفل بودن مجنی علیه، منظور و هدف خاص از عمل مجرمانه خویش را داشته که همان مجبور نمودن طفل به سفر به مقصد کار می باشد. بنابراین، اگر طفلی به مقاصد دیگری چون تحصیل، آموزش حرفه و غیره از طرف شخصی مجبور به سفر گردد، در این حالت شامل حکم ماده فوق نمی گردد (رسولی و هم کاران، ۱۳۹۶: ۳۵۶) با توجه به مخالفت قانون گذار در کشور با کار اطفال صرف نظر از رعایت بهداشت و سلامتی و لوازم اشتغال آنها به تحصیل، به ملاحظات دیگری از قبیل حفظ تعادل و نیروی معنوی و اخلاقی آنها و جلوگیری از استفاده ابزاری از اطفال می باشد.

نتیجه

در یک جمع‌بندی کلی و نهایی می‌توان این نتیجه را به دست آورد که در مورد بهره‌برداری از اطفال در جرایم اقتصادی می‌توان گفت: از آنجایی که کار کردن اطفال در سنین پایین، آثار منفی جبران ناپذیری را برای اطفال ایجاد می‌نماید محدودیت در راستای ممانعت اشتغال اطفال و استفاده ابزاری از کار اطفال در نظر گرفته شده است. اما علی‌رغم تدوین قانون کار و تدوین مقررات خاص در موضوع اطفال متأسفانه مسئله استفاده ابزاری از اطفال به دلایل اقتصادی اجتماعی و همچنین عدم امکان بازرسی از مکان‌های که اطفال در آنجا کار می‌کند حل نشده است مهم‌ترین مصادیق استفاده ابزاری از اطفال که به‌عنوان بزرگ‌ترین طیف قربانیان که می‌شود آن‌ها نام برد، اطفال این سرزمین هستند، بیش‌ترین استفاده ابزاری از اطفال در زمینه کار و مجبور کردن اطفال به کارهای شاقه و بهره‌کشی اقتصادی از آن‌ها می‌باشد.

بنابراین، قانون‌گذار کشور افغانستان و همچنین فقهای بزرگوار برای این نوع جرم مجازات تعیین کرده است و مجازات شدید برای مرتکبان جنایت علیه اطفال وضع کرده است. از طرف دیگر از نظر فقه امامیه و حقوق افغانستان، دایره این تحقیق آن دسته از کسانی را در برمی‌گیرد که از نظر فقهی، به بلوغ جنسی و فکری نرسیده و به‌لحاظ قانونی سن هیجده سال را کامل نکرده است، قانون‌گذار برای کسانی که نسبت به اطفال بزه‌دیده مرتکب جرم می‌شوند و از اطفال استفاده ابزاری می‌کند، مجازات‌های خاصی را در نظر گرفته است، هدف قانون‌گذار صیانت از اطفال در برابر استفاده ابزاری از آنان در بهره‌کشی اقتصادی است، لذا، در برخی موارد قانون‌گذار با تشدید مجازات این هدف را عملیاتی نموده است، اما بارزترین تفاوت آن‌ها در تعیین سن مسئولیت کیفری است که قانون‌گذار افغانستان با توجه به پیروی از فقه حنفی بلوغ جنسی مبنایی مسئولیت کیفری اطفال قرار نگرفته است. از طرف دیگر قانون‌گذار افغانستان بدون توجه به جنسیت، سن هیجده سالگی را برای مسئولیت کیفری معرفی کرده است، در حالی که در فقه امامیه، سن تکلیف و سن بلوغ را یکی به حساب آورده است.

در افغانستان در بیش از یک دهه، دست آورد قابل توجه در عرصه‌ی تدوین قوانین داریم، در عرصه حقوق اطفال نیز اندک توجه صورت گرفته است، با این حال هنوز هم اطفال در افغانستان با دشواری‌های بی‌شماری مواجه‌اند، برای عبور از این معضلات باید اطفال مورد حمایت و توجه جدی دولت قرار گیرد و با وضع و تصویب قوانین جامع برای جلوگیری از استفاده ابزاری از اطفال طرح و اجرا گذاشته شود، اما این به هیچ‌وجه کافی نبوده در کنار تصویب قانون، باید زمینه‌ای اجرای آن فراهم گردد از سوی دیگر، نظارت بر اجرای قوانین امر ضروری است، مجازات کیفری را به‌عنوان آخرین راه‌حل مدنظر گرفته است و مرتکبان جرایم علیه اطفال را بر طبق شرع و قانون مجازات کرده و مراحل اصلاح و بازپروری را در مرکز اصلاح و تربیت نسبت به اطفال اجرا نماید.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- قران کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابراهیمی، قدرت‌الله، حمایت از کودکان در برابر بهره‌کشی اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
- ۲. ابن منظور، جمال‌الدین محمد، لسان‌العرب، ذیل واژه حق.
- ۳. احمد بن فارس، بن زکریا، معجم مقایس‌اللغه، بیروت، دارالکتب العربیه، [بی‌تا].
- ۴. اردبیلی، احمد، مجمع‌الفایده والبرهان، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- ۵. الشرتونی، سعید الخوزی، اقرب‌الموارد، مصحح، شیخ محمد الاخوندی البنانی، [بی‌تا].
- ۶. المارودی، ابی‌الحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیة والولايات الدینه، بیروت، [بی‌تا].
- ۷. المنجد فی اللغة والاعلام، لوح فشرده، موسسه تولید نرم‌افزار اسلامی.
- ۸. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- ۹. پژمان، اسدالله و هم‌کاران، «وضعیت اطفال در افغانستان»، سایت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- ۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴.
- ۱۱. حافظیان، محمدحسین، «کار کودکان وضعیت کودکان جهان، ۱۹۹۷ در مسئله کار کودک»، مجله کار و کودک، شماره ۲۳، ۱۳۷۶ش.
- ۱۲. حسینی سیدحسن، مجموعه تحلیل‌های آسیب اجتماعی در ایران کودکان کار و خیابان، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش.
- ۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت^(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه، قم، موسسه الامام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، موسسه احیا آثار الامام الخویی، چاپ چهارم، ۱۴۳۰ق.
۱۶. دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران؛ نشر کیهان، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.
۱۷. دانش، جعفر ارجمند، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی؛ یا فرهنگ اصطلاحات حقوق جزای اسلامی بناب؛ انتشارات اعظم بناب؛ چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۳ش.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، محقق صفوان عدنان داودی، بیروت، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۰. رسولی، اشرف و جمعی از همکاران، شرح کود جزا، کابل، انتشارات بنیاد آسیا، چاپ اول، خزان ۱۳۹۸.
۲۱. رنجبری، ابوالفضل، «جنبه های حقوقی کار نوجوان»، شماره ۲۱۸۸ سال ۱۳۷۷ش.
۲۲. سجادی، سید منور شاه حمایت از اطفال بزه کار در حقوق افغانستان و اسناد بین المللی (پایان نامه).
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۲۵. علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران؛ انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۲۶. عاملی، زین الدین بن علی، (شهید ثانی) الروضه البهیة، نجف الاشرف، مطبعه الاداب، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۷. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، «پدیده کودکان خیابانی و راهکار مقابله با آن»، فصل نامه فقه و حقوق ندای صادق، شماره ۳۲، ۱۳۸۲ش.

۲۸. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۷۹ش.
۲۹. غیور، صبور، «اشتغال کودکان یا محرومیت از حق تعلیم و تربیت»، ترجمه غلامرضا سرمد مجله نامه فرهنگ، شماره ۳۱، ۱۳۷۷ش.
۳۰. فاضل مقداد، جمال‌الدین، کنزالعرفان فی فقه القرآن، تحقیق سید محمد قاضی، قم؛ مجمع تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه، قم، مرکز فقهی الاثمه الاطهار^(ع) چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، [بی‌نا]، ۱۴۱۲ق.
۳۳. محمدی، محمدعلی، حمایت کیفری از اطفال بزه دیده از منظر فقه اهل بیت و حقوق افغانستان.
۳۴. محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۳۵. مدرس، علی اصغر، حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل، ۱۳۷۵ش.
۳۶. مصباح، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، نگارش محمدمهدی نادری و محمدمهدی کریمی‌نیا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ش.
۳۷. معظمی، شهلا، فرار دختران چرا؟ تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۳ش.
۳۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریرالوسیله، نجف اشرف، مطبعه الادب، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۴۰. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و تعزیرات، قم، موسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۴۱. میرخلیلی، سید محمود، «بزه‌دیده شناسی پیش‌گیرانه، با نگاه به سیاست جنایی اسلام»، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۵ش.
۴۲. هاشمی، محمد، «نگرشی بر قانون جدید کار»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹ سال ۱۳۷۰ش.

ب. قوانین افغانستان

۴۳. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ ش.
۴۴. قانون حمایت از اطفال افغانستان، مصوب شورای وزیران، ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ ش.
۴۵. کود جزا، مصوب ۱۳۹۶ ش.
۴۶. قانون اجرائات جزایی، مصوب ۱۳۵۵ ش.
۴۷. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان، مصوب ۱۳۸۴/۱/۳ ش.
۴۸. قانون کار افغانستان، مصوب قوس ۱۳۸۷ ش.